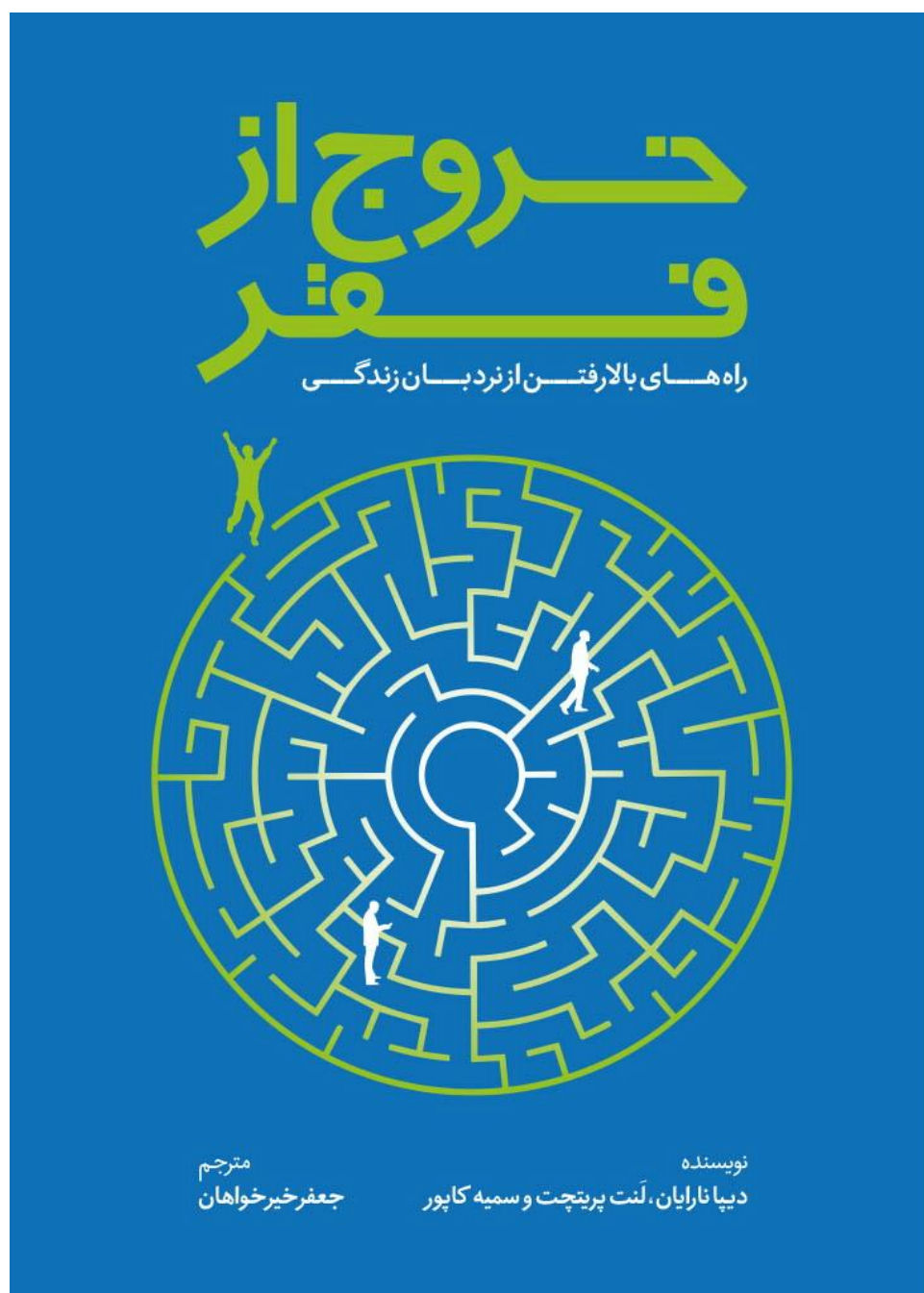


۵۰ نکته و درس آموخته از کتاب خروج از فقر

(از انتشارات بانک جهانی در سال ۲۰۰۹ که توسط بنیاد علوی ترجمه و منتشر شده است)

به انتخاب سید ابوالفضل میرقاسمی

Abolfazl.mirghasemi@gmail.com



مجموعه کتاب‌های خروج از فقر، نتایج یک پژوهش تطبیقی جدید در بیش از ۵۰۰ جامعه محلی در ۱۵ کشور جهان (به منظور بررسی وضعیت ۶۰ هزار زن و مرد فقیر یا فقیر شده در آفریقا، آمریکای لاتین و شرق و جنوب آسیا در طی یک دهه از ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۵ میلادی) را ارائه و چگونگی خروج مردم فقیر از فقر را تشریح می‌کنند. یافته‌های کتاب، بنیان‌هایی برای سیاست‌های جدید معرفی می‌کند تا رشد فراگیر و عدالت اجتماعی ترویج شود و میلیون‌ها نفر از فقر خارج شوند. در این مطالعه و بررسی که چهار سال بطول انجامیده، از ۱۰ روش مختلف پژوهشی کیفی و کمی جهت تجزیه و تحلیل پاسخ‌های بیش از ۶۰ هزار نفر استفاده شده است. بررسی جهانی خروج از فقر، از جنبه‌های مختلفی حائز اهمیت می‌باشد و در واقع یکی از اندک تلاش‌های پژوهشی، تطبیقی بزرگ مقیاس با تمرکز بر تحرک برای بیرون آمدن از فقر به جای توجه صرف به خود فقر است. این بررسی به گردآوری تجربیات زنان و مردان فقیری می‌پردازد که در رهگذر زمان موفق به خروج از فقر شدند و فرآیندها و نهادهای محلی را که یاریگر و یا مانع تلاش‌های آنها شده‌اند را معرفی می‌کند. همچنین نخستین بار است که یک گزارش از بانک جهانی به درک و فهم خود مردم از آزادی، دموکراسی، برابری، توانمندسازی و رویاها متکی شده است و چگونه این موضوعات بر مردم فقیر در بسترهای متفاوت رشد اجتماعی و سیاسی تأثیر می‌گذارند. این بررسی با بها دادن به تجربیات خود مردم و اینکه آنها چگونه فقر را تعریف می‌کنند، بینش‌های جدیدی را برای تعیین راهبردهای کاهش فقر ارائه می‌دهد. این کتاب مورد علاقه همه کسانی خواهد بود که به پایان دادن فقر اهمیت می‌دهند. امید است مطالعه این مجلد و استفاده از تجربیات بدست آمده در آفریقا، آمریکای لاتین، شرق و جنوب آسیا، کمک کند تا ضمن استفاده از این تجربیات، گام‌های موثری در ارائه خدمت به مناطق محروم برداریم.



سرنشانه	: نارایان - پارکر، دیبا، ۱۹۵۲ - م.
عنوان و نام پدیدآور	: Narayan-Parker, Deepa خروج از فقر: راه‌های بالارفتن از نردبان زندگی / نوشته دیبا نارایان، لنت پریتچت سمیه کاپور؛ ترجمه جعفر خیرخواهان؛ ویراستار سیدابوالفضل میرقاسمی؛ به سفارش بنیاد علوی، تهران؛ انتشارات کریم‌خان زند، ۱۳۹۶.
مشخصات نشر	: ۵۳۸ ص.
مشخصات ظاهری	: ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۹۲-۲۳-۴
شابک	: فیبا
وضعیت فهرست نویسی	: عنوان اصلی: Moving out of poverty. 2. Success from the bottom up.
یادداشت	: فقر -- کشورهای در حال رشد
موضوع	: Poverty -- Developing countries
موضوع	: تحرک اجتماعی -- جنبه‌های اقتصادی -- کشورهای در حال رشد
موضوع	: Social mobility -- Economic aspects -- Developing countries
موضوع	: کارگران مهاجر -- کشورهای در حال رشد
موضوع	: Migrant labor -- Developing countries
موضوع	: کشورهای در حال رشد -- اوضاع اقتصادی
موضوع	: Developing countries -- Economic conditions
شناسه افزوده	: پریتچت، لنت
شناسه افزوده	: Pritchett, Lant
شناسه افزوده	: خیرخواهان، جعفر، ۱۳۴۷ - مترجم
شناسه افزوده	: میرقاسمی، سیدابوالفضل
شناسه افزوده	: بنیاد علوی
رده بندی کنگره	: HC۵۹/۷۲/۷۲۳/۱۳۹۶
رده بندی دیویی	: ۳۳۹/۴۶۰۹۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۸۶۷۶۳۲



www.karimkhanzand.com

عنوان:	خروج از فقر (راه‌های بالارفتن از نردبان زندگی)
نویسنده:	دیبا نارایان، لنت پریتچت و سمیه کاپور
ناشر:	انتشارات کریم‌خان زند
لیتوگرافی و چاپ:	کلک صبا
صفحه‌آرایی:	مجتبی پیمائی
طراح جلد:	مجتبی پیمائی
مترجم:	دکتر جعفر خیرخواهان
ویراستار:	سید ابوالفضل میرقاسمی
نوبت چاپ:	پاییز ۹۶
قیمت:	۳۴۰۰۰۰ ریال
شمارگان:	۵۰۰ جلد
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۶۶۹۲-۲۳-۴

خیابان شریعتی، پایین تراز سه راه طالقانی، خیابان شهید طاهریان، پلاک ۷۹، تلفن: ۰۲۱۷۷۵۱۶۴۹۹

علاقمندان جهت تهیه کتاب با بنیاد علوی، دفتر آقای دکتر حاج علیزاده،
معاونت امور توانمندسازی و خدمات اجتماعی، تماس حاصل نمایند.

تلفن تماس: ۰۲۱-۸۳۳۵۲۴۱۱ یا ۰۲۶۵۰۰۲۶۵۸۸۹

آدرس بنیاد علوی: تهران، خیابان کریم خان زند، خیابان شهید گلابی، روبروی پارک بهجت آباد، پلاک ۱۲

ویژگی ها و یافته های مهم کتاب خروج از فقر (از انتشارات بانک جهانی در سال ۲۰۰۹)

مجموعه کتاب‌های خروج از فقر، نتایج یک پژوهش تطبیقی جدید در بیش از ۵۰۰ جامعه محلی در ۱۵ کشور جهان (به منظور بررسی وضعیت ۶۰ هزار زن و مرد فقیر یا فقیرشده در آفریقا، آمریکای لاتین و شرق و جنوب آسیا در طی یک دهه از ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۵ میلادی) را ارائه می‌دهند و چگونگی و چرایی خروج مردم فقیر از فقر را تشریح می‌کنند. یافته‌های کتاب، بنیان‌هایی برای سیاست‌های جدید معرفی می‌کند تا رشد فراگیر و عدالت اجتماعی ترویج شود و میلیون‌ها نفر از فقر خارج شوند.

این مجموعه در سال ۲۰۰۷ تحت نظارت و هدایت مستقیم خانم دیبا نارایان (مشاور ارشد پیشین بانک جهانی) شروع شد. وی پیش از آن، پروژه مهم «صدای فقرا» را هدایت و رهبری کرده بود. ایشان در سال ۲۰۰۲، کتاب "توانمندسازی و کاهش فقر" را با استفاده از تجربیات ۱۰۰۰ کارشناس مختلف، جمع‌آوری و ویراستاری نمودند که آن کتاب هم توسط معاونت رفاه اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و با حمایت مالی "پروژه بین‌المللی طراحی و توسعه مدل ملی حمایت اجتماعی و توانمندسازی" که با همکاری دفتر UNDP در ایران در دست اجرا بود، ترجمه و منتشر شد.

حال توجه خواننده گرامی را به پنجاه نکته مهم در خصوص تجربیات و دستاوردهای بانک جهانی در خصوص فقرزدایی که از "کتاب خروج از فقر" استخراج شده است، معطوف می‌دارد:

۱- این یکی از اندک تلاش‌های پژوهشی تطبیقی بزرگ مقیاس با تمرکز بر تحرک برای بیرون آمدن از فقر به جای توجه صرف به خود فقر است. این بررسی به گردآوری تجربیات زنان و مردان فقیری می‌پردازد که در رهگذر زمان موفق به خروج از فقر شدند و فرایندها و نهادهای محلی را که یاریگر یا مانع تلاش‌های آنها شدند معرفی می‌کند.

۲- درک و فهم خود مردم از آزادی، دموکراسی، برابری، توانمندسازی و رویاها متکی شده است- و چگونه این موضوعات بر رشد اجتماعی و سیاسی مردم فقیر تاثیر می‌گذارد.

۳- این بررسی با بهادادن به تجربیات خود مردم و اینکه آنها چگونه فقر را تعریف می‌کنند، چندین بینش جدید برای بسط راهبردهای کارآمدتر کاهش فقر ارائه می‌دهد.

۴- دو دلیل مهم سقوط به فقر عبارتند از کاهش رونق اقتصاد محلی و افزایش تکانه‌های سلامتی

۵- کاهش آسیب‌پذیری بسیار حیاتی است. ما باید به مردم کمک کنیم تا دارایی‌های دائمی داشته باشند که شانس سقوط کردن به فقر به واسطه تکانه‌های غیرمنتظره از قبیل افزایش قیمت خوراک و سوخت، بیماری، بلایای طبیعی، یا از کار بیکار شدن را کاهش دهد.

۶- ما باید تورهای ایمنی اجتماعی اساسی شامل تهیه و تدارک خدمات سلامت اساسی را فراهم کنیم تا از تبدیل بدبختی‌ها و بدشانسی‌ها به رویدادهای فاجعه‌بار جلوگیری شود.

۷- ما باید فرصت‌های اقتصادی در سطح محلی را چنان گسترش دهیم که مردم فقیر دسترسی عادلانه‌ای به مشاغل و بازارها داشته باشند.

۸- این بررسی روشن می‌سازد که مردم فقیر انواع ابتکار عمل‌ها را انتخاب کرده و امتحان می‌کنند، در بیشتر موارد حتی بیش از کسانی که وضع رفاهی بهتری دارند. میلیون‌ها و میلیون‌ها کارآفرین فقیر خُرده‌پا وجود دارند اما فضای سرمایه‌گذاری برای این کارآفرینان خُرده‌پا، در کانون توجه راهبردهای مبارزه با فقر قرار نداشته است.

۹- در بیشتر مواقع، مردم فقیر با زمین بازی صاف و هموار مواجه نیستند. با وجود انقلاب اعتبارات خُرده، مردم فقیر بیرون از دایره بیشتر خدمات مالی باقی ماندند و وام‌دهندگان بزرگ تمایلی به وام دادن به کسب‌وکارهای کوچک و کارآفرینان خُرده ندارند. پس به مدل‌های نهادی و ابزارهای مالی جدید نیاز است تا به نیازهای مالی مردم فقیر پاسخ دهد و سرمایه موردنیاز برای گسترش کسب‌وکار خویش و اتصال به بازارها را در اختیار آنها بگذارد.

۱۰- از ۱۰ روش مختلف جمع‌آوری داده استفاده شده است. ابزارهای اصلی عبارتند از داستان‌های زندگی فردی، تمرین نردبان زندگی، مباحثات گروه‌های کانونی روی موضوعات مختلف و مصاحبه‌های خانوار با استفاده از پرسش‌نامه.

۱۱- در تعیین خط فقر نسبی محلی، خانوارهای تحت مطالعه، بر اساس نظر خودشان و با ترکیبی از ۶ ویژگی متمایز (۱- وضعیت شغلی و مالکیت زمین، ۲- میزان دارایی‌ها و پس‌انداز، ۳- میزان مصرف و نوع مواد غذایی مصرفی خانوار، ۴- وضعیت تحصیلات سرپرست خانوار و فرزندان، ۵- ویژگی‌های رفتاری و ۶- جایگاه اجتماعی افراد) طبقه‌بندی شده و جایگاه ایشان در نردبان زندگی مشخص شد.

۱۲- هدف پایان دادن به فقر است. برای این کار ابتدا باید به این پرسش پاسخ داده شود که چرا مردم فقیر، فقیر هستند؟ باورهای موجود درباره فقر و علل زیربنایی فقر، تعیین‌کننده اقداماتی است که عاملان توسعه، دنبال می‌کنند، تعیین‌کننده سیاست‌هایی است که سیاستمداران ملی طراحی می‌کنند و تعیین‌کننده اعمالی است که شهروندان متعهد و دغدغه‌مند انجام می‌دهند. باورهای برزبان نیامده، امتحان پس‌نداده و اغلب ناخودآگاه ما درباره فقر، سرنوشت‌ساز هستند، چرا که تعیین می‌کنند آیا فقر اصلاً به عنوان یک مشکل تعریف می‌شود یا خیر. و اگر فقر یک مشکل قلمداد می‌شود، این مشکل چه کسانی است؟ آیا تنها مشکل فقر است یا مشکل همه جامعه است؟ باورهای موجود درباره ماهیت فقر و «فقر» می‌تواند برانگیزاننده اقدام - یا توجیه‌کننده بی‌عملی (دست روی دست گذاشتن) - باشد.

۱۳- سه اصل اساسی این بررسی را هدایت می‌کند. نخست، هر فردی ارباب زندگی و سرنوشت خویش است. اصل دوم اینکه بافتار محلی اهمیت دارد. بنابراین باید افراد و خانوارها را در بافتارهای جامعه محلی‌شان جای داد و از تمرکز صرف روی ویژگی‌های فردی یا خانوار (که روش معمول پیمایش‌های فقر است)، فراتر رفت. باید توجه خاصی به قواعد، آیین‌نامه‌ها، هنجارهای غیررسمی و انتظاراتی داشت که بر نهادهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی محلی که مردم فقیر با آنها در ارتباطند، حاکم هستند.

اصل سوم، درباره تغییر، باید به تغییر در طی زمان توجه نمود یعنی باید دنبال پویایی‌شناسی تحرک فقر بود. بسیاری از بررسی‌ها یک تصویر لحظه‌ای، یک تصویر ایستا از افراد بی‌حرکت در زمان را نشان می‌دهند. ولی تصویر متحرک لازم است. باید در جستجوی فهمیدن عمق فرایندهایی بود که از طریق آن مردم از فقر خارج می‌شوند یا در آن سقوط می‌کنند.

۱۴- مردم فقیر نه قدیس و نه شیطانند، نه قربانی و نه ابرقهرمانند. تفاوت‌های کمی بین فقرا و غیرفقرا از نظر داشتن آرزو برای خود و فرزندان‌شان، در باور به سخت‌کوشی به عنوان وسیله جلو رفتن، در ابتکار عمل‌شان یا در اخلاقیات‌شان وجود دارد.

۱۵- باورهای نادرست موجود درباره مردم فقیر و دلایل ایجاد فقر به انتخاب سیاست‌هایی منجر شده که هیچ کمکی به فقرا نکرده است.

۱۶- مشکل ما هستیم نه مردم فقیر. ما باید عوض شویم. اگر تنها ما می‌توانستیم دنیا را مشابه آنچه که مردم فقیر فکر می‌کنند واقعاً وجود دارد، بسازیم- جایی که سخت‌کوشی ارزش دارد، برابری فرصت وجود دارد- کاهش فقر عظیمی را در زمان خودمان می‌دیدیم.

۱۷- دام‌های فقر مزمن با پنج عامل اصلی عدم امنیت، حقوق محدود شهروندی، بدبختی فزاینده و محیطی، تبعیض اجتماعی و فرصت‌های اقتصادی ضعیف ارتباط دارد.

۱۸- فقر یک حالت گذرا است و به همین خاطر سیالیت بزرگی از خانوارهای در حال حرکت به سمت فقر یا خروج از فقر وجود دارد.

۱۹- اگرچه تفاوت‌های ملی (یا منطقه‌ای) قطعاً مهم هستند، به‌طور تجربی، تغییرات ویژه محلی که هم روی فقرا و هم غیرفقرا تأثیر می‌گذارند، مهم‌ترند.

۲۰- از داده‌های سطح روستا استفاده شود تا تجزیه و تحلیل تجربی از شرایطی که تغییرات در فقر را تعیین می‌کند شروع گردد.

۲۱- آمارتیا سن می‌گوید که عاملیت- توانایی فرد برای کارکردن به خاطر آنچه او ارزش می‌پندارد- هم بالذات ارزشمند است و هم از جنبه ابزاری در کاهش فقر مؤثر واقع می‌شود. حس عاملیت شخصی بر تملک دیگر دارایی‌های ارزشمند مثل تحصیلات، پول یا خانه تقدم دارد.

۲۲- مجموعه قابلیت‌ها، بسیار گسترده‌تر از سودمندگرایی سنتی یا فضای دارایی‌هاست و شامل دارایی‌های مادی، انسانی، اجتماعی و سیاسی و حتی حس روانشناختی خودفایده‌مندی (اطمینان، خیال‌پردازی، آرزوها و آرمان‌ها) می‌باشد. این قابلیت‌ها به هر انسانی اجازه می‌دهد تا براساس آنچه آرزو دارد، عمل کند.

۲۳- بعد دیگر روان‌شناختی، ظرفیت آرزو داشتن، تصور آینده بهتر برای خود و فرزندان خود، ارتباط مهمی با خروج از فقر دارد. به نظر نمی‌رسد مشاغل والدین جوانان، آرزوها و رؤیاهای آن‌ها را محدود کند.

۲۴- اطمینان به توانایی‌های خود و عزم بهبود وضع اقتصادی خود و خانواده خود با کمک همدیگر، به قدرت برای انجام کارها منجر می‌شود.

۲۵- مردم فقیر علاوه بر تکیه بر ویژگی‌های درونی خود، قدرت را از ارتباطات با دیگران خصوصاً از خانواده‌شان و تا حدی از دیگر اعضای جامعه می‌گیرند. قدرت منتج‌شده از چنین روابطی «قدرت با» نامیده می‌شود. عده زیادی گفتند قدرت در عشق، وحدت و آرامش موجود در خانواده‌ها نهفته است.

۲۶- در بین بافتارهای بررسی شده، مردم از سه ویژگی صحبت کردند که به شخص اجازه می‌دهد تا «قدرت خوب» کسب کند. این‌ها، عشق، احترام و رهبری اخلاقی هستند.

۲۷- نابرابری به غیر از اینکه به از دست رفتن فرصت‌ها منجر می‌شود، باعث از دست دادن ابراز عقاید و کنترل زنان و مردان فقیر می‌شود.

۲۸- درحالی‌که باور داشتن به خود مهم است، مردم فقیر همچنین با همدیگر در مبارزه بر سر منابع محدود در دنیای نابرابر، وارد جنگ و دعوا می‌شوند. از نظر مردم، ترفیع یک فرد در گرو هزینه کردن دیگران است و آن‌ها در اغلب موارد تلاش می‌کنند تا تلاش‌های همسایگان‌شان را برای رفتن به جلو، مسدود کنند.

۲۹- یکی از بزرگترین موانع در سر راه تلاش خانوارهای فقیر برای بهبود رفاه‌شان، بیماری جدی یا مرگ و میر یکی از اعضای خانواده است. تکانه‌های مرگ و سلامتی دلیل اصلی سقوط به سمت فقر هستند. تأمین مراقبت‌های بهداشتی و سلامتی باکیفیت و مقرون به صرفه یکی از مهم‌ترین کارهایی است که می‌توان برای نجات زندگی و معیشت فقرا انجام داد.

۳۰- مردم فقیر درک عمیق و مستقیمی از قدرت و روابط قدرت دارند. آن‌ها از ناتوانی خود در بافتار ریشه دوانده نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی و ساختارهای سیاسی، آگاهند. با وجود خفقانی که برخی اوقات احساس می‌کنند، یا شاید

به خاطر آن، مردم فقیر، حس درونی بسیار قوی از قدرت، اعتماد به نفس و اشتیاق برای پشتکار داشتن در هر چیزی را از خود نشان می‌دهند.

۳۱- طرح‌ها و راهبردهای توسعه باید طوری طراحی و اجرا شوند که بزرگ‌منشی مردم را بالا ببرد و حس عزت نفس آن‌ها را تقویت کند.

۳۲- گام‌های افزایش دادن دارایی‌های مادی، خصوصاً مسکن دائمی، می‌تواند باعث تقویت اعتماد به نفس مردم فقیر شود و به آن‌ها یک پایه اقتصادی به عنوان تکیه‌گاه بدهد.

۳۳- عوامل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی باعث تفاوت در تحرک جامعه می‌شوند. عوامل مثبت که به خروج از فقر کمک می‌کنند عبارتند از رونق اقتصادی کلی (خصوصاً آسانی یافتن شغل)، حضور فیزیکی بازارها در یک روستا، و نزدیکی به شهرها و جاده‌ها. همچنین مسئولیت‌پذیری دولت محلی باعث تفاوت مثبت می‌شود.

۳۴- هرچقدر هم که عاملیت شخصی مهم باشد، تنها یک طرف معادله است. اگر ساختارهای ناهماهنگ فرصت، ابتکار عمل مردم فقیر را خنثی کنند، راهبردهای بالا بردن خود-فایده‌مندی نمی‌توانند موفق شوند. نابرابری‌های اقتصادی اجتماعی و سیاسی در محیط‌هایی که مردم فقیر زندگی می‌کنند باعث تنزل آن‌ها می‌شود حتی اگر رؤیای صعود داشته باشند.

۳۵- مردمی که در فقر گرفتارند خواهان فرصت اقتصادی هستند. وقتی مجموعه فرصت‌ها در یک اقتصاد پویای محلی گسترش می‌یابد، مردم می‌توانند ابتکار عملی برگزینند و به سمت بالا یا خروج از فقر برسند. اما در بیشتر اوقات، مردم متوجه می‌شوند که کانال‌های حرکت به سمت بالا مسدود شده است و ابتکار عمل‌هایشان با موانعی مواجه می‌شود.

۳۶- موقعیت مکانی و همچنین متصل بودن به بازارها مهم هستند. درون اقتصادهای ملی، نوسانات زیادی بین مکان‌ها از حیث نرخ پیشرفت وجود دارد. یکی از دلایل مهم آن، به نابرابری در زیرساخت‌ها و در آسانی اتصال داشتن به جهان بیرونی برمی‌گردد.

۳۷- شواهد نشان می‌دهد هنگامی که جوامع محلی به جامعه بزرگتر متصل می‌شوند، سلطه فرادستان سنتی معمولاً تضعیف شده و روابط حامی-پیرو برای حفظ بقاء از اهمیت کمتری برخوردار می‌شود.

۳۸- بازارها به جای اینکه با دست نامرئی هدایت شوند، اغلب با دستان مرئی دستکاری و تقلب می‌شوند که به زیان تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان فقیر عمل می‌کنند. مردم فقیر معمولاً فاقد مقیاس و تخصص مورد نیاز برای غلبه بر این موانع هستند. تولیدکنندگان فقیر کاملاً زیر یوغ بازیگران بزرگ در بازار رسمی هستند و اغلب در حاشیه بازار، در یک اقتصاد غیررسمی خُرده تجارت، کشاورزی خُرده و روش تقسیم محصول فعالیت می‌کنند. تمرکز بر گسترش فرصت‌ها برای مردم فقیر مستلزم تحلیل محیط کسب‌وکار نه فقط برای تولیدکنندگان بزرگ رسمی، بلکه برای کارآفرینان خُرده و کوچک در پایین نردبان زندگی و برای کسانی است که در حال بالا آمدن هستند.

۳۹- شواهد در سطح خرد نشان می‌دهد که مردم فقیر برای ایده‌آل‌های دموکراسی ارزش قائل هستند: آزادی، حق انتخاب، برابری، مشارکت و عدالت.

۴۰- با توجه به وجود «ائتلاف‌های قدرت»، دموکراسی محلی اغلب به عنوان بازی «حاصل جمع صفر» عمل می‌کند. اگر برخی مردم فقیر نفع ببرند سایرین زیان می‌بینند. به علاوه، شواهد نشان می‌دهد که دموکراسی‌های محلی اغلب فاسد می‌شوند و به دست فرادستان تسخیر می‌گردند. احتمال فساد، طرد شدن، و تسخیر فرادستان در جوامعی بالاتر است که از نظر اجتماعی قشربندی شده‌اند جایی که خطوط پیرامون قدرت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی همگرا می‌شود.

۴۱- روش‌هایی وجود دارد که دموکراسی محلی می‌تواند تسخیر نشود و پاسخگو نگه داشته شود. آنها شامل ترویج رهبران خوب، تضمین حق رای دادن در انتخابات آزاد و عادلانه، امکان دسترسی بیشتر به اطلاعات درباره دولت محلی، و پشتیبانی از زندگی اجتماعی و مشارکت مردم فقیر در تصمیمات جامعه است.

۴۲- مهم است که سیاستمداران شیوه برخورد و نوع نگاه به ادارات دولت محلی که عمدتاً به عنوان کانال‌هایی برای توزیع کالاها و خدمات از سوی دولت‌های مرکزی و ایالتی- همانند بازیگران در بازی حاصل جمع صفر- می‌باشند را تغییر دهند. دولت‌های محلی خوش کارکرد می‌توانند هویت‌های پویایی باشند که به آزادسازی اقتصاد از پایین کمک می‌کنند. آنها می‌توانند این کار را با ایجاد زیرساخت‌ها، ترویج روش‌های بهبود کشاورزی، تشویق خانوارها به متنوع‌سازی منابع درآمدی و معیشت، و برملا کردن قواعد و مقرراتی که کارآفرینی را محدود می‌کنند انجام دهند.

۴۳- رهبران محلی می‌توانند نقش حیاتی در بزرگ کردن یک اقتصادی ایفا کنند. انتخابات عادلانه و حسابرسی‌های منظم دولت مرکزی/ایالتی می‌تواند در این رابطه مفید باشد.

۴۴- آدام میچنیک یک مبارز باسابقه لهستانی:

دموکراسی نه سیاه و نه سرخ است. دموکراسی خاکستری است ... دموکراسی بی‌هودگی را بر تعالی، شرارت را بر شرافت، وعده‌های توخالی را نسبت به شایستگی واقعی، انتخاب می‌کند. ... دموکراسی یعنی ناکاملی دایمی، مخلوطی از گناهکاری، تقدس‌بخشی و خدعه و نیرنگ. به همین دلیل است که جویندگان حکومت اخلاقی و جامعه کاملاً عادل، دموکراسی را دوست ندارند. در عین حال تنها دموکراسی است که ظرفیت زیر سؤال بردن خود، همچنین ظرفیت تصحیح اشتباهات خودش را دارد.

۴۵- ویژگی‌های خانواده که اساس موفقیت اقدام جمعی است: همبستگی اجتماعی، وحدت و وفاداری؛ تعاملات و ارتباطات مکرر در طول زمان؛ اختیار و کنترل روی تصمیمات؛ تجمع منابع و یا تولید محصول مشترک؛ و توانایی توزیع هم ریسک‌های منفی و هم دستاوردهای مثبت.

۴۶- این بررسی بر واقعیت‌های محلی متمرکز شد. درحالی‌که در بررسی‌های فقر، به سیاست‌های ملی توجه زیادی می‌شود، شرایط محلی که مردم در آن زندگی می‌کنند و به شکل روزانه با آن در تعامل هستند اغلب نادیده گرفته می‌شود.

۴۷- فقرا با مبارزه‌ای سخت و دشواری مواجه‌اند در شرایطی که آنها با بازارهایی مواجه‌اند که در بهترین حالت بی‌تفاوت و در بدترین حالت به شکل حساب‌شده‌ای علیه آنها عمل می‌کنند. مردم فقیر با نداشتن دارایی، ارتباطات، دسترسی و برخی اوقات تخصص کاری، اغلب مشکل زیادی در استفاده از نیروهای بازار برای بیرون آمدن از فقر دارند.

۴۸- بیشتر مردمی که در فقر زندگی می‌کنند از مشکل تقدیرگرایی یا آرزوهای حقیر رنج نمی‌برند؛ در عوض آنها ابتکار عمل‌هایی بکار می‌گیرند تا شرایط خود را تغییر دهند، و بیشتر آنها مطمئن هستند که با سختکوشی بر آن غلبه خواهند کرد. مردم فقیر آزادی و روابط اجتماعی خود را ارزش می‌نهند، و می‌خواهند از آنها برای بهبود وضع زندگی خویش به شیوه‌های گوناگون استفاده کنند. اما ابتکار عمل‌های آنها، چه به شکل فردی یا جمعی، اغلب با فرصت‌ها و درهای بسته‌شده به روی آنها برخورد می‌کند، چه در بافتار بازارهایی پر از دوز و کلک یا دموکراسی‌های محلی که به تسخیر فرادستان درآمده است. کلید کاهش فقر در محل تقاطع ابتکار عمل و فرصت قرار دارد.

۴۹- درحالی که هیچ تردیدی نیست که مردم احتیاجات اولیه دارند، تقلیل مردم به احتیاجات اولیه، توانایی آنها در کمک کردن به خودشان را تضعیف می‌کند. البته که مردم احتیاجات اولیه دارند اما آنها آرزو، جاه‌طلبی، برنامه، مهارت، ایده، و ترجیحات شخصی نیز دارند- و مردمی که فقر را تجربه می‌کنند هیچ فرقی با بقیه مردم ندارند. با وجود موانعی که فقرا مواجه‌اند، اکثریت غالب مردم گرفتار فقر معتقدند که آینده برای آنها و برای کودکان‌شان بهتر خواهد شد، و آنها سخت‌کوشی و ابتکار عمل را ابزارهای رسیدن به آن آینده می‌بینند.

۵۰- فساد همه‌جاگیر است، فرصت‌هایی برای برخی و موانعی برای دیگران ایجاد می‌کند. ترکیب انتخابات عادلانه، بهبود دسترسی به اطلاعات، و اقدام جمعی می‌تواند مردم فقیر را قادر کند تا تقاضای پاسخگویی از رهبران محلی خود بکنند. دموکراسی‌های محلی عادلانه و پاسخگو و رهبران محلی می‌توانند کارهای زیادی برای آزادسازی اقتصادها از پایین بکنند.